

معنی درس هشتم عربی پایه هشتم

بِه نام خدا

الإعتمادُ عَلَى النَّفْسِ اعتماد بر خود

تَخْرُجُ عُصْفُورَةٌ مِنْ عُشِّهَا فِي مَرْزَعَةٍ كَبِيرَةٍ وَ تَقُولُ لِفِرَاحِهَا:

گنجشکی در مزرعه بزرگی از لانه اش خارج می شود و به جوجه هایش می گوید:

«يا فِرَاحِي، عَلَيكَ بِمُرَاقَبَةِ حَرَكَاتِ صَاحِبِ الْمَرْزَعَةِ. مَاذَا يَقُولُ وَ يَفْعَلُ؟»

«ای جوجه های من باید مراقب حرکات صاحب مزرعه باشید، چه می گوید و چه می کند؟»

الْفَرْخُ الْأَوَّلُ: صَاحِبُ الْمَرْزَعَةِ مَعَ جَارِهِ يَذْهَبَانِ إِلَى شَجَرَتَيْنِ وَ يَجْلِسَانِ بَيْنَهُمَا.

جوجه اول: صاحب مزرعه با همسایه اش به سوی درختان می روند و میان آنها می نشینند.

الْفَرْخُ الثَّانِي: زَوْجَةُ صَاحِبِ الْمَرْزَعَةِ وَ جَارَتُهَا تَذْهَبَانِ إِلَى نَفْسِ الشَّجَرَتَيْنِ.

جوجه دوم: همسر صاحب مزرعه و همسایه اش به سوی همان درختان می روند.

الْفَرْخُ الثَّلَاثُ: الْجِيرَانُ يَجْلِسُونَ عَلَى الْيَمِينِ.

جوجه سوم: آقایان همسایه ها در سمت راست می نشینند.

الْفَرْخُ الْأَوَّلُ: الْجَارَاتُ يَجْلِسْنَ عَلَى الْيَسَارِ.

جوجه اول: «خانم های همسایه در سمت چپ می نشینند.»

الْفَرْخُ الثَّانِي: مَا الْخُبْرُ؟ مَاذَا يَفْعَلُونَ؟ أ هَذِهِ ضِيَافَةٌ؟

جوجه دوم: چه خبر است؟ چه کار می کنند؟ آیا این یک مهمانی است؟

الْفَرْخُ الثَّلَاثُ: النِّسَاءُ يَجْلِبْنَ الطَّعَامَ وَ الْخُبْرَ وَ يَجْلِسْنَ جَنْبَ الْمَائِدَةِ.

جوجه سوم: زنان غذا و نان می آورند و کنار سفره می نشینند.

الْفَرْخُ الْأَوَّلُ: الرِّجَالُ يَجْمَعُونَ الْخَطَبَ وَ يَجْلِبُونَ الْمَاءَ وَ بَعْدَ ذَلِكَ يَلْعَبُونَ.

جوجه اول: «مردان هیزم جمع می‌کنند و آب می‌آورند و بعد از آن بازی می‌کنند.»

تَرْجِعُ الْأُمُّ وَ تَسْأَلُ فِرَاحَهَا: «ماذا حَدَثَ؟»

مادر بر می‌گردد و از جوجه‌هایش می‌پرسد: «چه شد (چه اتفاقی افتاد؟)»

الْفَرْحُ الثَّانِي: صَاحِبُ الْمَرْزَعَةِ طَلَبَ الْمُسَاعَدَةَ مِنْ جِيرَانِهِ لِجَمْعِ الْقَمْحِ. عَلَيْنَا بِالْفِرَارِ.

جوجه دوم: صاحب مزرعه برای جمع (درو) گندم از همسایگانش کمک خواسته است. باید فرار کنیم.

أُمُّ الْفِرَاحِ: لَا؛ نَحْنُ فِي أَمَانٍ فِي عُسْنَا.

مادر جوجه‌ها: نه، در لانه خود در امان هستیم.

فِي الْيَوْمِ الثَّانِي تَخْرُجُ الْعُصْفُورَةُ مِنَ الْعُشِّ وَ تَقُولُ لِفِرَاحَهَا:

در روز دوم گنجشک از لانه خارج می‌شود و به جوجه‌هایش می‌گوید:

«عَلَيْكِنَّ بِالْمُرَاقَبَةِ؛ إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ عُصَّةٌ.»

«مراقب باشید؛ از دست دادن فرصت مایه اندوه است.»

بَعْدَ رُجُوعِ الْأُمِّ قَالَ الْفَرْحُ الثَّلَاثُ:

بعد از برگشتن مادر، جوجه سوم گفت:

«صَاحِبُ الْمَرْزَعَةِ طَلَبَ الْمُسَاعَدَةَ مِنْ أَقْرَبَائِهِ لِجَمْعِ الْمَحْصُولِ. عَلَيْنَا بِالْفِرَارِ.»

«صاحب مزرعه برای جمع محصول از خویشاوندان کمک خواسته است باید فرار کنیم.»

أُمُّ الْفِرَاحِ: نَحْنُ فِي أَمَانٍ.

مادر جوجه‌ها: ما در امنیتیم. (آسایشیم.)

فِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ:

فِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ:

در روز سوم:

الْفِرَاحُ: سَمِعْنَا أَنَّ صَاحِبَ الْمَرْزَعَةِ يَقُولُ «سَأَبْدَأُ بِجَمْعِ الْقَمْحِ بِنَفْسِي غَدًا.»

جوجه‌ها: شنیدیم که صاحب مزرعه می‌گفت (می‌گوید) فردا خودم جمع کردن گندم را شروع خواهم کرد.

خَافَتْ أُمُّ الْفِرَاحِ وَ قَالَتْ: «الآنَ عَلَيْنَا بِالْمُهَاجِرَةِ.»

مادر جوجه‌ها ترسید و گفت: «بر ما واجب است که همین حالا مهاجرت کنیم.»

الْفِرَاحُ يَسْأَلُنْ أُمَّهِنَّ: «لِمَاذَا عَلَيْنَا بِالْمُهَاجِرَةِ؟! هُوَ وَحِيدٌ وَ بِلَا صَدِيقٍ.»

جوجه‌ها از مادرشان می‌پرسند: «چرا باید کوچ کنیم؟ او تنها و بدون دوست است.»

الْأُمُّ: عِنْدَمَا يَعْتَمِدُ الْإِنْسَانُ عَلَى غَيْرِهِ؛ لَا يَفْعَلُ شَيْئًا مُهِمًّا؛ وَ عِنْدَمَا يَعْتَمِدُ عَلَى نَفْسِهِ؛ يَقْدِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ.

مادر: وقتی که انسان به غیر از خود اعتماد می‌کند کار مهمی انجام نمی‌دهد؛ و زمانی که بر خودش (تکیه) اعتماد می‌کند؛ بر هر چیزی (کاری) قادر است.

پایان

- خیلی مخلصیم ، امیدوارم به کارتون اومده باشه رفقا 😊
- منبع : گاما
- تهیه کننده پاورپوینت: 9miha.blog.ir